گزارش

بارسا ۴ - رئال ۳

تیمی از جنس رؤیا

در شبی که بارسلونا دوباره ثابت کرد فوتبال نه یک بازی ساده، که تئاتری عظیم از امید و ناامیدی است، رئال مادرید نقش سیاه‌بختی را بازی کرد که نمی‌دانست چگونه از تقدیر محتومش بگریزد. در دل ال کلاسیکوی سراسر دیوانگی، بارسا تیمی بود از جنس طلا؛ تیمی که از دل تاریکی‌ها، از زیر سایه ۲ گل عقب‌افتاده، چون ققنوسی شعله‌ور برخاست و در نهایت، صحنه را با پیروزی ۴-۳ ترک کرد.

■ **آغاز کابوس؛ امباپه، نابغه‌ای که خیال خام قهرمانی داشت**

هیچکس انتظار نداشت ضربه نخست این نمایش را امباپه بزند. آن هم در دقیقه ۳، از دل اشتباهی کودکانه. بارسا گیج بود، شزنی مردد و کیلیان مثل یک شکارچی کمین کرده، نخستین گل را وارد تور کرد. ۱۰ دقیقه بعد، وینیسیوس با نگاهی از جنس افسانه‌ها، پاسی درجه یک را به امباپه تقدیم کرد تا او ضربه دوم را بزند؛ ضربه‌ای که خیال خام مادرید را نسبت به قهرمانی بیدار کرد. آنها در همان دقیقه‌های ابتدایی فکر کردند فاتح میدانند. چه خیال باطلی!

■ **بازگشت پادشاه؛ بارسا با قلبی سرخ و آتشی در جان**

بارسا دیگر چیزی برای از دست دادن نداشت. آنها تیمی بودند زخمی و تیم‌های زخمی خطرناک‌ترین تیم‌ها هستند. گارسیا با ضربه سری سنگین، نخستین چکش را بر پیکره امید مادرید فرود آورد. چند دقیقه بعد، یامال با شوتی کات‌دار، کورتوا را مغلوب کرد؛ ۲-۲. حالا تیم فلیک شبیه لشکری بود که سر از خواب برداشته بود. پدری، با آن نگاه تیزش، اشتباه سبایوس و امباپه را بلعید و توپ را به رافینیا سپرد. گل سوم، انفجاری بود که نوید آخرین ضربه را می‌داد. نیمه اول تمام نشد؛ ضربه رافینیا، سقوط لوکاس واسکز. در حالی که مادریدی‌ها منتظر سوت پایان نیمه بودند، لوکاس واسکز ناگهان نقش کمدین تراژدی را بازی کرد. اشتباهی بچگانه و رافینیا با دقتی از جنس قاتلان حرفه‌ای، تیر خلاص را زد. نیمه اول با نتیجه ۴-۲ تمام شد. مونتجوئیک در شعله‌های آبی و اناری می‌سوخت. مادریدی‌ها در شوک فرو رفته بودند.

■ **نیمه دوم؛ رئال به دنبال فرار، بارسا در پی تحقیر**

آنچلوتی مثل یک جراح پیر، مجبور شد چاقوی تعویض را بیرون بکشد. وی دیاز و مودریچ را به میدان فرستاد. رافینیا و یامال می‌خواستند گل پنجم را هم به سبد مادرید بریزند اما این بار غرور جوانی‌شان کار دست‌شان داد. امباپه مثل شبحی که هنوز در شب زنده بود، از اشتباه عجیب مارتینز و بالده استفاده کرد و گل سوم خود را زد. حالا همه چیز در خطر بود.

■ **پایان یک کابوس؛ بارسا در آستانه قهرمانی، مادرید در پیچ تردید**

در نهایت، یامال و رافینیا، با همان شوق کودکانه‌شان آخرین حمله‌ها را انجام دادند ولی داور سوت پایان را به صدا درآورد. بارسا ۴-۳ پیروز شد. فلیک با این پیروزی نه‌تنها یک بازی، که شاید یک فصل را فتح کرد. هواداران در مونتجوئیک فریاد زدند: این تیم طلاست؛ این تیم رؤیاست. بارسلونا حالا یک قدم با قهرمانی فاصله دارد. یک قدم تا تثبیت قدرت جدید در لالیگا؛ قدرتی که نه از غرور که از صبر، دیوانگی، جوانی و رویا ساخته شده است.

خبر

ترامپ به دنبال تیغ زدن ثروتمندان در جام جهانی

رئیس جمهور آمریکا با افزایش ۲۰ برابری قیمت بلیت‌های VIP مسابقات جام‌جهانی ۲۰۲۶ به دنبال خالی کردن جیب ثروتمندان است. ۲۰۰ هزار دلار قیمت یک بلیت VIP در مسابقات جام‌جهانی ۲۰۲۶ آمریکاست که ۱۵۰ برابر گران‌تر از بلیت جایگاه ویژه بازی ال کلاسیکو میان بارسلونا و رئال است. بلیت VIP در مسابقات جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطر ۱۰ هزار دلار بود اما آمریکا این رقم را ۲۰ برابر افزایش داده است. قرارداد اقتصادی ترامپ با فیفا برای درآمدزایی بیشتر در مسابقات جام‌جهانی یکی از دلایل اصلی افزایش نجومی قیمت بلیت‌هاست. نشریه میرر چاپ انگلیس می‌نویسد: اقدام آمریکا برای افزایش ۲۰ برابری قیمت بلیت جام‌جهانی نسبت به دوره قبل، باعث اعتراضات گسترده در میان قشر کم‌درآمد شده است. براساس گزارش این رسانه انگلیسی، آمریکا با این سیاست به دنبال درآمدزایی تاریخی از بلیت‌فروشی مسابقات جام‌جهانی است که باعث می‌شود تنها ثروتمندان تماشاگر این بازی‌ها شوند.

چگونه هیأت مدیره استقلال این روزها برای این تیم بحران می‌خرد

کانون اخبار بی‌ثمر!

عبدالله دارابی

بارها راجع به دسته‌گل‌ها و ناکارآمدی وصف‌ناپذیر هیات مدیره استقلال سخن گفتیم که بازگویی آن تکرار مکرر است و موجب تکدر خاطر، لیکن هر روز اخباری تازه از تصمیمات آن جمع، رسانه‌ای می‌شود که دامنه نقد نو بر ایشان را بسیط‌تر می‌نماید و واقعا مشخص نیست در افکار اینان چه می‌گذرد، چه اندیشه‌ای در سر دارند و با کدام چشم‌انداز واقع‌بینانه به مدیریت خویش در این باشگاه بزرگ ادامه می‌دهند؟

محمد شریعتمداری (رئیس هلدینگ خلیج فارس) که در حکم انتصاب علی تاجرنیا به عنوان دستیار و نماینده تام‌الاختیار خود، مواردی را چونان منشور کاری برای وی و مجموعه مدیریتی استقلال تبیین کرده بود، امروز پس از گذشت ۴ ماه از فعالیت منصوبانش، رصدی بر عملکرد ایشان و میزان همخوانی آن با دستورالعمل ابلاغی‌اش دارد؟ اگر جواب مثبت است چه نمره‌ای بدان‌ها داده است؟ نمره‌شان که در عالم واقعیت و نزد اهالی فن حکایت از مردودی این هیات مدیره و شخص نماینده تام‌الاختیار دارد، آیا رئیس هلدینگ ملاحظات دیگری را منظور کرده است که نسبت به تغییر یا اصلاح این جمع، اقدام شایسته و بایسته‌ای نمی‌نماید؟! برخی خواسته‌های رئیس هلدینگ از نماینده تام‌الاختیارش در باشگاه استقلال که در حکم انتصاب تاجرنیا بدان پرداخته شده بود را مرور کنیم:

۱- تعقیب فرمایش رهبر معظم انقلاب تحت عنوان ایران قوی، ورزش قوی

۲- سیاست‌گذاری صحیح منبعث از خرد جمعی با ایجاد اتاق فکر

۳- برنامه‌ریزی درست در حوزه‌های فنی، اقتصادی، مشارکتی، آی‌تی، درآمدزایی و...

۴- ساختن باشگاه استقلال بزرگ و قوی

۵- باشگاهداری شفاف، حرفه‌ای و قانونمند

۶- جلب رضایت و اعتماد هواداران.

تصمیمات هیات مدیره، مدیرعامل و شخص تاجرنیا به عنوان نفر اول واقعی و همه‌کاره باشگاه در این ۴ ماه، بیانگر حرکت مثبت در راستای کدام یک از اهداف فوق بوده است و اصلا چه نشانی از حرکت در این مسیر در عملکرد این جمع نامتقارن و ناکارآمد دیده شده و می‌شود؟! عملکرد فردی و جمعی این گروه با افراد و جمع کارنابلد سابق، چه تفاوت اساسی‌ای داشته و دارد که امیدبخش آینده تلقی گردد؟ مایه تعجب است اصحاب رسانه هم که بابت هر اتفاقی، شال و کلاه کرده به دنبال سوال و جواب پیرامون آن و رسالت کاری خویش هستند، هرگز شخص رئیس هلدینگ را در این زمینه مورد سوال و توضیح خواهی قرار نداده‌اند که سرنوشت این پزشکان غیرمتخصص، بر بالین این بیمار محتضر که علائم حیاتی‌اش هر روز نارساتر از قبل می‌شود، به کجا خواهد انجامید؟ آیا رئیس محترم ترجیح می‌دهد مرگ محتضر را ببیند تا بازخواست یا برکناری دوستان و منصوبانش را؟ شاید هم رئیس هلدینگ از آن ماهیانی نیست که آسان تن به قلاب جماعت رسانه‌ای بدهد؟

مجموعه مدیریتی باشگاه استقلال در ابتدایی‌ترین و نخستین وظیفه خویش که تیم‌داری مطلوب است، مانده‌اند، توفیق در سایر موارد خواسته شده در حکم مذکور که حقیقتا سرابی بیش نیست!

این مجموعه مدام صحبت از بستن تیمی قوی و در شأن استقلال برای فصل بعد کرده و می‌کنند و با همین توجیه نیم‌فصل از مسؤولیت خویش را هدر دادند و باشگاه را متحمل خسارت‌هایی در بعد فنی و مالی کردند، متاسفانه اما برای فصل بعد باشگاه نیز در حال هدر دادن روزهای طلایی‌اند!

اولین پیش‌نیاز فصل بعد سرمربی است که آقایان هنوز موفق به انتخاب وی و حتی جمع‌بندی درباره‌اش نشده‌اند. برای چندمین بار بحث ماتزاری را دنبال کردند و مثل دفعه قبل فقط آب در هاون کوبیدند و عجبا که با بازی‌های جدید و مختلف هر روزه این مربی، باز هم از خواب سنگین و رویاپردازانه خود بیدار نمی‌شوند!! براستی اگر ماتزاری صاحب عناوین متعدد قهرمانی بود، تا چه زمان دیگری می‌خواستند خام بازی‌های هدفمند او شوند و بر در به انتظار نشینند تا شاید جواب بله‌ای بگیرند؟ یک عاقل در قوم پیدا نمی‌شود تا بدین‌ها بگوید والله در دنیای فوتبال مربیان دیگر و بهتری نسبت به ماتزاری هم وجود دارند؟

الان یکی از بهترین اوقات برای بستن تیمی مطلوب جهت فصل آتی است. در حالی که پرسپولیس با مدیریتی که جایگاه متزلزلی دارد در حال تدارک تیم دلخواه خود برای فصل بعد است، هیچ گونه خبر خوشایندی در رابطه با این موضوع در اردوگاه آبی‌ها به گوش نمی‌رسد، با این توجیه غلط که باید سرمربی انتخاب شود تا او بازیکنان مدنظرش را اعلام کند! آقایان! شما که تصمیم‌تان انتخاب سرمربی خارجی با اولویت ماتزاری است، سرمربی خارجی با کدام شناخت و آگاهی می‌خواهد از دل لیگ ایران، تیم جدید ببندد؟ علاوه بر آن شاید تا زمان نهایی شدن انتخاب شما، بازار توسط رقبا جارو شده باشد و با دست خالی از آن برگردید! طبق گفته خودتان یک دستیار ایرانی و ترجیحا مجتبی جباری در کادر بعد حاضر خواهد بود، بسیار خب!

وظیفه بستن تیم را همین امروز به وی یا کمیته‌ای فنی محول کنید تا از قافله عقب نمانید و فصل بعد را نیز از دست ندهید.

آقایان در بخش بازی با اسامی، از سرمربی خارجی، وارد حوزه جدید انتخاب مدیر ورزشی خارجی شده‌اند، آن هم با نام کلارنس سیدورف هلندی. گفتن در این باره مجالی دیگر را می‌طلبد ولی فقط باید گذرا اشاره کرد با اتکا به کدام نظم مالی صحیح، ساختار درست، ابزار مناسب و رعایت اصولی موازین به دنبال مدیر ورزشی از نوع خارجی آن هستید؟ بحث درباره میزان کارایی مصداق آن بماند اما آیا کسی چون سیدورف درباره هزینه‌کرد برای بستن تیم، تابع نظرات مشعشع علیرضا اسدی، عضو هیات مدیره که الگویش در این مورد تیم سقوط‌کرده هوادار است، خواهد بود؟

در حالی که ۲ اصل اساسی و مهم برای بستن تیم قدر و مدعی با جدیت مورد نیاز توسط مسؤولان باشگاه دنبال نمی‌شود، خبر رسید جمعی از حقوقدانان خبره و صاحب اسم به عضویت کمیته‌های انضباطی و استیناف باشگاه استقلال درآمدند. براستی در کدام عالم سیر می‌کنید؟ مگر در یک سال در درون باشگاه چند مورد انضباطی شکل می‌گیرد که چنین سازمان عریض و طویلی راه انداخته‌اید؟ مگر فدراسیون فوتبال است که با تعدد موارد هر روزه انضباطی مواجه باشد؟ نیاز باشگاه جای دیگری است، اقدام مدیران برای جایی دیگر! حکایت فردی است که گرسنه بود و محتاج نان اما برایش پیراهن نو می‌خریدند! گویا نیاز مبرم استقلال، انتخاب سخنگوی غیرمرتبط با حوزه فوتبال و اعضای ارکان انضباطی است...!

فعلا به لطف این مدیران، استقلال کانون اخبار بی‌ثمر شده است!!

فابیو کاریله؛ معمار خاموش فوتبال برزیل در رادار استقلال

بررسی یک گزینه

مهدی مرسلی

استقلال بعد از یک فصل پر از بی‌ثباتی و سایه‌های تردید، این روزها به دنبال مردی است که سکان آبی‌ها را با صلابت و دانش به دست گیرد. در این میان، نام فابیو کاریله، سرمربی کهنه‌کار برزیلی، به عنوان یکی از گزینه‌های جدی مطرح شده است؛ مردی که در سکوت و بدون هیاهو، افتخاراتی بزرگ را رقم زده، هر چند شهرت رسانه‌ای او هرگز به قامت قهرمانی‌هایش نرسید.

■ **از کوچه پس‌کوچه‌های سائوپائولو تا نیمکت کورینتیانس**

کاریله نه ستاره‌ای پرزرق و برق بود، نه مهاجمی درشت‌هیکل با تیترهای بزرگ. او مدافعی بود آرام و بی‌سر و صدا که بیشتر سال‌های فوتبالش را در تیم‌های گمنام ایالت سائوپائولو سپری کرد و تنها چند صباحی در کورینتیانس و کوریتیبا درخشید. حتی نخستین جام زندگی حرفه‌ای‌اش را هم با تیم نه‌چندان مطرح پرانا در سال ۱۹۹۶ به دست آورد؛ جامی که شاید در ویترین افتخارات فوتبال برزیل گم شود اما برای کاریله سنگ بنای عبور به دنیای مربیگری بود.

■ **شاگردی بزرگان؛ از منزس تا تیته**

پایان فوتبال، برای کاریله سرآغاز یک مسیر متفاوت بود؛ مسیری که او را به اتاق فکر تیم‌های بزرگ رساند. فابیو بلافاصله پس از آویختن کفش‌ها، به نیمکت گرمیو پیوست؛ جایی که نخستین طعم هدایت یک تیم را تجربه کرد. اما جهش بزرگ، زمانی رخ داد که وارد ساختار عظیم کورینتیانس شد. او ۸ سال، در نقش کمک‌مربی، زیر نظر سرمربیان بزرگی چون مانو منزس و تیته رشد کرد. کاریله در آن سال‌ها بخشی از تیم‌هایی بود که قهرمانی کوپالیبرتادورس و جام باشگاه‌های جهان را لمس کردند. گویی سرنوشت او را نه در قامت ستاره نیمکت که در هیات یک استراتژیست نوشته شده بود.

■ **قهرمان خاموش سری آ**

سال ۲۰۱۷ نقطه عطف زندگی حرفه‌ای کاریله بود. او بالاخره به آرزوی دیرینه‌اش رسید و به عنوان سرمربی اصلی کورینتیانس منصوب شد. فابیو توانست این تیم را به قهرمانی سری آ برزیل برساند و ۳ جام منطقه‌ای دیگر هم به تالار افتخاراتش اضافه کرد اما ماجرای کاریله و کورینتیانس سال ۲۰۱۹ به پایان رسید؛ بدون هیاهو، درست مثل همیشه.

■ **بازگرداندن سانتوس به سری آ؛ مأموریت غیرممکن کاریله**

شاید کمتر کسی تصور می‌کرد سانتوس، غول فوتبال برزیل، روزی به سری بی سقوط کند. پس از آن کاریله مأموریتی دشوار را پذیرفت و توانست در همان فصل نخست، سانتوس را به قهرمانی سری بی و بازگشت به سطح اول فوتبال برزیل برساند. ماجرایی که سال ۲۰۲۴ تحقق یافت و کاریله را به مرد مأموریت‌های سخت تبدیل کرد.

■ **سفر به غرب آسیا و ژاپن؛ ماجراجویی‌های بی‌پایان**

اما کاریله فقط در سرزمین فوتبال جادویی برزیل نماند. او سال ۲۰۱۸ هدایت الوحده عربستان را پذیرفت اما خیلی زود، به دلیل کسب نتایج ضعیف، مجبور به ترک این تیم شد. تجربه دوم کاریله در عربستان با الاتحاد بود. او با این تیم تا فینال جام باشگاه‌های عرب رسید اما در ضربات پنالتی قافیه را به الرجای مراکش باخت؛ فینالی که یادآور قلب‌های تلخ اما آموزنده برای فابیو بود.

سال ۲۰۲۲، کاریله ماجراجویی تازه‌ای را با ناگازاکی در لیگ دسته ۲ ژاپن آغاز کرد. تیمی که او برای بازگرداندنش به جی‌لیگ، ۶۳ بار روی نیمکت نشست اما پروژه‌اش با شکست مواجه شد. میانگین ۱.۳۷ امتیاز در هر بازی برای فابیو، هرچند رضایت‌بخش نبود اما تجربه‌ای دیگر به کارنامه او افزود.

■ **آمارهای ضدونقیض؛ رکوردهایی که روایت‌گر پیچیدگی‌های یک مربی است**

بیشترین دوران مربیگری کاریله، به تیم واسکودوگاما مربوط می‌شود؛ تیمی که در ۲ دوره متفاوت، ۱۶۵ بار هدایت آن را بر عهده داشت. در طرف مقابل، کوتاه‌ترین حضور او به سال ۲۰۲۲ و اتلتیکو پارانائنزه بازمی‌گردد؛ تیمی که تنها در ۷ بازی روی نیمکت آن نشست. تجربه‌ای که شاید خودش هم خیلی زود فراموشش کرد. در الوحده عربستان هم فقط ۱۳ بار شانس نشستن روی نیمکت را پیدا کرد.

■ **کاریله؛ مربی مأموریت‌های دشوار**

حالا نام این مربی آرام اما پرتجربه، در کنار استقلال شنیده می‌شود؛ تیمی که خود، پس از فصلی پرفراز و نشیب، نیازمند چهره‌ای با صلابت است. مردی که بتواند از دل آشوب‌ها، ثبات را بیرون بکشد. کاریله شاید مربی خیلی بزرگی نباشد اما کارنامه‌اش پر است از مأموریت‌های سخت و پیچیده. مأموریت‌هایی که اغلب با موفقیت او به پایان رسیده‌اند.

«مرگ خودخواسته» در «بن‌بست خودخواسته»

یادداشت

ادامه از صفحه اول

جامعه در کلیت خود و در سطح بقا، بر «زندگی» استوار است. حتی در اوج تاریکی و ناامیدی، غریزه و آرزوی اصلی بشر، ادامه حیات و یافتن راهی برای بهتر زیستن است.

فلسفه وجودی جامعه بر بقا، زایش، رشد، تغییر، ایجاد و یافتن معنا در دل زیستن است. زمانی که روشنفکری که قرار بوده منبع الهام‌بخشی یا تحلیلگر واقعیت به عنوان راهگشای حیات بهتر باشد در نهایت به راه‌حل «پایان دادن به زندگی» می‌رسد و این عمل به عنوان نمادی از تجربه او از مواجهه با واقعیت منتشر می‌شود، در این صورت او عملاً «بن‌بست» را به عنوان «نسخه نهایی» برای جامعه مخاطبانش تجویز کرده است. چنین نسخه‌ای هرچند در سطح فردی قابل درک باشد، مطلقاً نمی‌تواند الهام‌بخش جامعه‌ای باشد که برای ادامه حیات و پیشرفت می‌جنگد. جامعه‌ای که از چنین نمادهایی الگو بگیرد، ناگزیر به سوی مرگ، ناامیدی و در نهایت فروپاشی و نیستی پیش خواهد رفت. راهی که به مرگ ختم می‌شود، نمی‌تواند «پیشرفت» یا «رستگاری جمعی» تلقی شود، زیرا بنیان این مفاهیم بر حیات است نه بر زوال. از جامعه هم نباید انتظار داشت چنین افرادی را تقدیس کند (هر چند که عدم تقدیس ضرورتا به معنای عدم درک نیست). استفاده از عبارت «مرگ خودخواسته» برای چنین اشخاصی هم احتمالا بیشتر بزکی است برای شانه خالی کردن از زیر بار مسؤولیتی که در قبال جامعه خود داشته‌اند.

تأکید بر این نکته مهم است؛ هدف از این تحلیل، قضاوت کردن درباره عمل شخصی خانم ارسطویی یا هر فرد دیگری که دست به خودکشی زده، نیست. طبعا ادامه به زیستن قدرتی بیش از انتخاب مرگ می‌خواهد و احتمالا بخشی از روشنفکران هم به خاطر نداشتن چنان قدرتی به چنین سرنوشتی می‌رسند. عمل و تاثیر یک چهره اجتماعی به طور ناخواسته بار اجتماعی پیدا می‌کند و بر ناخودآگاه جمعی تأثیر می‌گذارد؛ در نتیجه برایش مسؤولیتی سنگین را رقم می‌زند؛ خواه خود بپذیردش یا خیر.

اینگونه وقایع، بزنگاه‌هایی است هم برای جامعه و هم برای کسانی که در مقام تأثیرگذاری بر آن قرار دارند؛ برای جامعه، این سوال را پیش می‌آورد که تا چه اندازه می‌توان به چنین افرادی به عنوان «الهام‌بخش» و «پیشگام» اعتماد کرد؟ به آن دسته از روشنفکرانی که هنوز به زندگی خود پایان نداده‌اند نیز باید یادآوری شود جایگاه‌شان ولو ناخواسته، آنها را به سوی پذیرش مسؤولیت در برابر پیامدهای اعمال‌شان بر جامعه سوق می‌دهد؛ مسؤولیت در قبال الهام‌بخشی، مسؤولیت در قبال امیدبخشی یا دست‌کم مسؤولیت در قبال نشان دادن مسیری جز ناامیدی و نیستی.

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲

نوبت دوم

فراخوان ارزیابی کیفی برای مناقصه عمومی

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت خزر (سهامی خاص)

شرکت نفت خزر (سهامی خاص) در نظر دارد فراخوان « **تعمیرات اساسی و بروزرسانی سیستم کنترل و اتوماسیون صنعتی سکوی نیمه‌شناور ایران امیرکبیر**» به شماره **۲۰۰۴۰۹۳۴۴۵۰۰۰۰۰۳** را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت اسناد تا ارایه پیشنهادات و گشایش پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۲/۲۴
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۲/۲۷
- مهلت ارسال پاسخ فراخوان: ۱۴۰۴/۳/۱۰

آدرس و تلفن تماس مناقصه‌گزار:

تهران- خیابان خالد اسلامبولی- خیابان پنجم- پلاک ۲۰- امور حقوقی و پیمان‌ها تلفن: ۸۸۷۲۲۴۳۰-۰۲۱

روابط عمومی شرکت نفت خزر — شناسه آگهی: ۱۹۲۷۴۶۹

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
شماره ۲۰۰۴۰۱۰۰۶۴۰۰۰۰۰۱

سازمان حج و زیارت در نظر دارد جهت اجرای عملیات اسکلت بهمراه دیوار چینی ساختمان اداری مدیریت حج وزیارت استان سیستان و بلوچستان مناقصه عمومی یک مرحله به شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۱۰۰۶۴۰۰۰۰۰۱ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس: www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

زمان انتشار مناقصه در سامانه: تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۲ ساعت ۱۰:۰۰ صبح

مهلت دریافت اسناد: تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۰۳ ساعت ۱۶:۰۰

آخرین مهلت ارسال پاکت های پیشنهاد: تاریخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ تا ساعت ۱۶:۰۰

زمان بازگشایی پاکتها: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸ ساعت ۱۰:۰۰ صبح

محل بازدید: سیستان و بلوچستان- زاهدان میدان امام رضا(ع) حاشیه جنوب غربی میدان

کلیه مراحل برگزاری مناقصه شامل دریافت اسناد مناقصه، ارسال اسناد وپیشنهاد قیمت، بازگشایی و اعلام به برنده در سازمان حج وزیارت انجام خواهد شد. اطلاعات تماس در سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۴۱۹۳۴-۰۲۱

میم الف ۵۱۰ — شناسه آگهی: ۱۹۲۸۷۵۱